

بازی المپیک و پیروزی سرمایه

مقدمه

بارون پیر دو کوبرتین^۱ اولین کسی بود که فکر برگزاری المپیک نوین را در سر می‌پروراند و این فکر را در سال ۱۸۹۶ متحقق کرد. او به دنبال راهی برای نزدیک کردن ملت‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای رقابت جوانان در ورزش به جای رقابت در میدان جنگ بود. از نظر او بازی‌های المپیک می‌توانست به هر دوی این اهداف کمک کند.

کوبرتین با وجود داشتن شخصیتی انسان‌دوست، درک درستی از اتفاقات اطراف خود نداشت. به همین دلیل برای جلوگیری از جنگ‌ها، برگزاری مسابقات المپیک را پیشنهاد می‌دهد. بعد از شروع مسابقات المپیک در سال ۱۸۹۶ نه تنها ملت‌ها به یکدیگر نزدیک نشدند، بلکه شاهد جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ‌های کوچک بسیاری بوده‌ایم. کوبرتین بایستی علت جنگ‌های مختلف را در بستر کشمکش‌های طبقاتی در عصر سرمایه‌داری تحلیل و بررسی می‌کرد و نه در بستر اختلافات میان ملل مختلف و در نظر گرفتن انسان به عنوان موجودی رقابت‌جو. در عمل نیز مسابقات المپیک نه تنها تأثیری در حل منازعات بین کشورها نگذاشتند بلکه از این منازعات که حاصل مناسبات طبقاتی بودند، تأثیر پذیرفتند.

به نمونه‌هایی از این تأثیرها اشاره می‌کنیم. گاهی این مسابقات نشانه‌ای از تحکیم و تثبیت سلطه‌ی طبقه‌ی سرمایه‌دار بودند به گونه‌ای که شعارهای لوکس و زیبای المپیک درباره‌ی همبستگی ملل و انسان‌ها، جنایات سرمایه‌داران را می‌پوشاندند؛ مانند برگزاری مسابقات پارالمپیک پس از جنگ جهانی دوم. گاهی این مسابقات تحت تأثیر اعتراضات کارگران قرار می‌گرفت مانند مسابقات المپیک ۲۰۱۶ ریو در کشور برزیل که پیش و در حین برگزاری، تظاهراتی علیه صرف هزینه‌ها برای برگزاری به جای هزینه کردن آن در جهت ارتقاء بهداشت و آموزش برپا شدند. در دوره‌هایی کشورهای امپریالیستی این مسابقات را به نماد پیروزی و یا مقابله با کشورهای رقیب در می‌آوردند مانند سال ۱۹۲۰ که کشورهای پیروز در جنگ‌های جهانی اول از حضور کشورهای مغلوب در المپیک جلوگیری کردند. در دوره‌هایی نیز مسابقات تحت تأثیر مبارزات نیروهای ضد امپریالیستی قرار می‌گرفتند مانند المپیک مونیخ ۱۹۷۲ که مبارزان فلسطینی در قالب سازمان سپتامبر سیاه^۲، که اعضای آن خود را هوادار سازمان آزادی بخش فلسطین می‌دانستند، عملیات گروگان‌گیری ۱۱ ورزشکار اسرائیلی را انجام دادند که هدفشان فشار برای آزادسازی ۲۳۲ زندانی فلسطینی از زندان‌های دولت اشغالگر اسرائیل بود. این مسائل نشان دهنده این است که بازی‌های المپیک نه تنها نمی‌توانند تضادهای ریشه‌ای نظام سرمایه‌داری که خود را در انواع جنگ‌ها بروز می‌دهد، حل کند بلکه خود عرصه‌ای برای بروز این تضادها شده است.

بازی‌های المپیک

بازی‌های المپیک بزرگ‌ترین گردهم‌آیی در ورزش است. ورزشکاران حرفه‌ای در این رقابت‌ها در رشته‌های تخصصی خود با همدیگر به رقابت می‌پردازند. همه‌ی نگاه‌ها به دنبال رکوردهای جدید و ورزشکارانی است که تعداد مدال بیشتر و با کیفیت‌تری کسب می‌کنند. رده‌بندی بین کشورهای شرکت‌کننده در المپیک برحسب کیفیت مدال تعیین می‌شود. اگر کشوری یک مدال طلا کسب کند در مقایسه با کشوری که تعداد زیادی مدال نقره و برنز کسب کرده است در رده‌بندی بالاتری خواهد بود. شیوه‌ی امتیازدهی (رده‌بندی) در مسابقات المپیک و هدف تعیین شده در شعار المپیک،

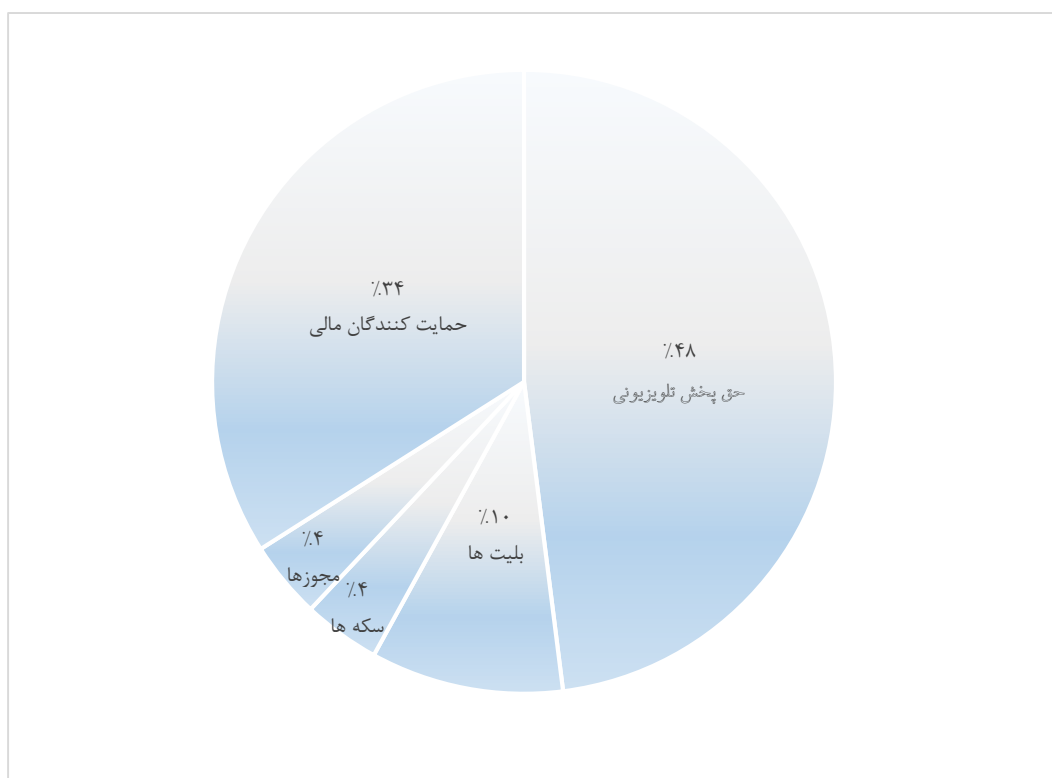
یعنی سریع‌ترین، قوی‌ترین و بالاترین باعث افزایش حس رقابت و برتری‌طلبی انسان‌ها می‌شود و عملاً منافی نگرش انسانی به ورزش است.

هدف اصلی ورزش ایجاد سلامتی و شادابی فیزیکی، روانی و اجتماعی است. در مسابقات المپیک به اوج رساندن رقابت میان انسان‌ها به هدف اصلی ورزش تبدیل می‌گردد و این با هدف انسانی ورزش منافات دارد. این تبدیل شدن رقابت به هدف اصلی ورزش نشأت گرفته از مناسبات حاکم بر شرایط اجتماعی انسان‌ها است. مناسبات طبقاتی حاکم بر زندگی اجتماعی انسان‌ها باعث به وجود آمدن انگیزه‌ی رقابت در میان انسان‌ها است. ورزش حرفه‌ای و در اوج آن مسابقات المپیک نقش تثبیت‌کننده‌ی این رقابت را نیز ایفا می‌کنند. انسان‌ها در چنین بستری هرچه بیشتر به سوی برتری‌طلبی و کسب منفعت شخصی حرکت می‌کنند که باعث بیگانگی انسان‌ها از همدیگر می‌شود.

نظام سرمایه‌داری همیشه به دنبال وسیله‌ای برای پوشش تضادهای درونی خود است. هم‌چنین قصد دارد آثار حاصل از تضادهای طبقاتی را در پس کادوهای لوکس مخفی کند. رقابت‌های ورزشی و در اوج آن مسابقات المپیک و جام جهانی فوتبال یکی از بهترین ابزارهاییست که در حال حاضر سرمایه‌داران از آن بهره‌برداری می‌کنند. حزب نازی آلمان از المپیک ۱۹۳۶ به عنوان حرب‌های تبلیغاتی استفاده کرد. چطور می‌توان متصور بود که فاشیست‌های آلمانی که در بستر اندیشه‌ی برتری نژادی رشد پیدا کردند، مسابقات المپیک را به قصد همگرایی میان انسان‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای شادابی و تندرستی انسان‌ها ترتیب داده باشند. اهمیت این ابزار برای دولت‌های سرمایه‌داری برای نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی به حدی است که شاهدیم برخی کشورها علی‌رغم عدم توانایی در کسب مدال در المپیک، با خرید ورزشکاران از کشورهای دیگر و صرف هزینه‌های هنگفت قصد دارند که از این رقابت‌ها دور نمانند. کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، از جمله کشورهایی‌اند که بیشترین هزینه را برای خرید ورزشکاران کشورهای دیگر صرف می‌کنند.

المپیک و اقتصاد

(۱) کمیته‌ی بین‌المللی المپیک (IOC)



در حال حاضر کمیته‌ی بین‌المللی المپیک برای تأمین هزینه‌های برگزاری بازی‌های المپیک از ۵ منبع استفاده می‌کند که در نمودار زیر نمایش داده شده‌اند:

منابع درآمدی المپیک از المپیک ۱۹۶۰ رم به بعد نه تنها هزینه‌ی برگزاری مسابقات را تأمین کردند بلکه ذخیره‌ی ارزی زیادی را به وجود آوردند. تنها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ کمیته‌ی بین‌المللی المپیک ۲/۵ میلیارد دلار از طریق حق پخش تلویزیونی و ۸۶۶ میلیون دلار از طریق اسپانسرها بدست آورد.

این مازاد سرمایه باعث شکل‌گیری بزرگ‌ترین مافیای اقتصادی در ورزش در قالب کمیته‌ی بین‌المللی المپیک شد که در رأس آن آنتونیو سامارانش^۳ قرار داشت. سامارانش که از سیاستمداران اسپانیایی در زمان ژنرال فرانکو بود، از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ رئیس و از سال ۲۰۰۱ تا زمان مرگش در ۲۰۱۰ رئیس افتخاری کمیته‌ی بین‌المللی المپیک بود.

" ما می‌توانیم افشا کنیم که در ماه سپتامبر ۱۹۹۰، پرزیدنت سامارانش در رأس سازمان نشسته بود با بودجه‌ی ۲۰ میلیون دلار و دارایی ۱۱۸ میلیون دلار که تقریباً ۶۰ میلیون دلار آن موجودی نقدی است که به گونه‌ای عاقلانه ۷۵ درصد آن به صورت فرانک سوییس درآمد و باقیمانده به دلار موجود است تا از امتیاز بدست آوردن بالاترین بهره برخوردار شود."^۴

کمیته‌ی بین‌المللی المپیک اگرچه در ظاهر امر به عنوان نهادی حامی ورزش و تندرستی انسان‌ها جلوه می‌کند، در باطن از نظر اقتصادی به مهم‌ترین بخش‌های منابع درآمد خود یعنی حامیان مالی و تلویزیون‌هایی که از آن‌ها حق پخش می‌گیرد، وابسته است. این وابستگی باعث شده است که کمیته‌ی بین‌المللی المپیک به عنوان بزرگ‌ترین انحصار در ورزش به نمایندگی انحصارات سرمایه‌داری در ورزش تبدیل شود و در جهت تحقق اهداف اقتصادی این شرکت‌ها گام بردارد. این موضوع را زمانی روشن‌تر در می‌یابیم که تعیین میزبان‌ها را بررسی کنیم. یکی از دلایل انتخاب آتالانتا به عنوان میزبان بازی‌های المپیک در سال ۱۹۹۶، شرکت کوکاکولا بود به دلیل اینکه آتالانتا زادگاه این شرکت بوده است.^۵ نشان این وابستگی را می‌توان در جریان رشوه گرفتن چند عضو کمیته‌ی بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۹۸ در جریان قرعه‌کشی المپیک زمستانی مشاهده کرد. نشان دیگر این وابستگی این است که تاکنون اغلب بازی‌های المپیک در شهرهای اروپایی و آمریکای شمالی برگزار شده‌اند و تنها چند دوره‌ی محدود از بازی‌ها در مکان‌ها دیگر و آن هم در استرالیا، ژاپن و کره‌ی جنوبی برگزار شده است. تنها دوره‌ای که این مسابقات در آمریکای جنوبی برگزار شد در سال ۲۰۱۶ در ریودوژانیروی برزیل بوده است.

۲) حامیان مالی المپیک

همان‌طور که پیشینه‌ی تاریخی سرمایه‌داران نشان می‌دهد، حامیان مالی المپیک قصد خیرخواهی و انسان‌دوستی ندارند. سرمایه‌داران به هر وسیله و رویدادی صرفاً به عنوان ابزاری برای صیانت از نظام استثماری و سود خود نگاه می‌کنند. سرمایه‌داران حامی المپیک به سه طریق از بازی‌های المپیک سودآوری می‌کنند:

الف) تبلیغات

ب) صدور سرمایه و ایجاد بازار فروش کالاهای ورزشی و غیر ورزشی

ج) استفاده از نیروی کار ارزان و مجانی

الف) تبلیغات

شرکت‌های حامی مالی المپیک با تبلیغات در المپیک قصد شناساندن خود را دارند. شرکت ساعت‌سازی سواچ از برگزاری المپیک آتالانتا برای تبدیل شدن به یک برند معروف و از دور خارج کردن رقبای خود از طریق تبلیغات استفاده کرد. سرمایه‌داران از هر ترفند قانونی و غیرقانونی برای پیروز شدن در این رقابت بهره می‌برند. شرکت نیسان که در رقابت تنگاتنگی با شرکت‌های بریجستون و تویوتا در آسیا قرار دارد، و در کنار شرکت بریجستون حامی مالی المپیک ریو ۲۰۱۶ بود، برای غافلگیری رقیب خود در حین مسابقات از خودروی جدید خود به نام Kicks رونمایی کرد. جنگ کفش‌ها در المپیک مکزیکوسیتی به اتاق‌های رختکن و میدان مسابقات کشیده شد. داسلر رئیس شرکت آدیداس به عده‌ای از مسئولان بنادر استرالیا در جریان المپیک ۱۹۵۶ ملبورن برای جلوگیری از پیاده‌شدن کالاهای شرکت پوما رشوه داد و در این کار موفق شد.^۶

ب) صدور سرمایه و ایجاد بازار فروش کالاهای ورزشی و غیر ورزشی

هنگامی که یک شرکت خود را به عنوان حامی مالی المپیک تثبیت کرد، دیگر نیاز کم‌تری به بازاریابی برای فروش کالاهای خود و هم‌چنین مکان‌هایی برای سرمایه‌گذاری دارد. این امکان هر چهار سال یک بار در گوشه‌ای از جهان فراهم می‌شود. به تازگی شرکت Airbnb، که واسطه‌ای برای اجاره منازل خصوصی به مسافران است، با قراردادی ۵۰۰ میلیون دلاری حامی مالی المپیک‌های تابستانی ۲۰۲۰ توکیو، ۲۰۲۴ پاریس و هم‌چنین المپیک‌های زمستانی ۲۰۲۲ پکن و ۲۰۲۶ میلان شده است.^۷ طبق این قرارداد، این شرکت به مدت ۱۰ سال و در نقاط مختلف می‌تواند اقدام به سرمایه‌گذاری و فروش خدمات خود کند.

ج) استفاده از نیروی کار ارزان و مجانی

علاوه بر اینکه سرمایه‌داران به طور روزمره سود خود را از استثمار طبقه‌ی کارگر بدست می‌آورند، برگزاری مسابقات المپیک عرصه‌ای سودآور را بر روی سرمایه‌دارانی که به هر نحو خود را با این مسابقات مرتبط می‌بینند، می‌گشاید. شرکت نایک که از تولیدکنندگان محصولات ورزشی است، از نیروی کار ارزان کودکان و زنان در پاکستان و کشورهای مشابه برای سودآوری خود بهره می‌برد. میزبانان این مسابقات برای احداث زیرساخت‌های برگزاری، از کارگران مهاجر که مجبورند با دستمزد بسیار کم کار کنند، استفاده می‌کنند. علاوه بر این موارد در تمامی مسابقات ورزشی مسئولان برگزاری، سعی دارند که نیروهای داوطلب برای انجام دادن کارها را جذب کنند. برای مثال در سال ۱۹۹۶ در آمریکا ۲۱ درصد از کل فعالیت‌های انجام شده در سازمان‌های ورزشی به وسیله‌ی داوطلبان صورت گرفته است و باعث شده ۱۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی شود. (بهتر است بخوانیم ۱۵ میلیارد دلار سود خالص نصیب سرمایه‌داران شده است.). این مسئله شاید به چشم خود داوطلبان نیاید اما اهمیت موضوع زمانی است که از منظر سرمایه‌داران به این موضوع نگاه کنیم.

۳) کشورهای میزبان بازی‌های المپیک

دلایل گوناگونی از جمله سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک باعث گرایش یک کشور به تصاحب میزبانی مسابقات المپیک می‌شود. دلایل اقتصادی از مهم‌ترین انگیزه‌های میزبان شدن است. ورود سرمایه‌های خارجی مانند موتور محرکه‌ای

می‌تواند اقتصاد کشور میزبان را با توجه به سطوح مختلف رشد خود توسعه دهد. معمولاً در کشورهایی که اقتصاد آن‌ها در دوران بحران یا رکود به سر می‌برد، افزایش نرخ سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به رشد در اقتصاد شود. المپیک ۱۹۶۴ توکیو باعث جذب ۶۸۲۵ میلیون دلار سرمایه‌ی خارجی شد. در نتیجه رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن از ۱۰/۱ درصد به ۱۷/۶ درصد رسید. کشور ژاپن که با بحران‌های عمیق بعد از جنگ جهانی دوم دست و پنجه نرم می‌کرد با برگزاری مسابقات نه تنها بر بحران‌هایش فائق آمد بلکه به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شد. این رویداد به انفجار توکیو معروف شد. در المپیک سئول نرخ رشد سرمایه‌گذاری‌ها که پیش از مسابقات ۱۳ درصد بود از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ به ترتیب ۲۱/۷، ۲۳/۳، ۳۴/۲ درصد رشد کرد. در نتیجه سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی کره جنوبی از ۲۳۰۰ دلار به ۶۳۰۰ دلار رسید. به این ترتیب کره جنوبی به ببر آسیای شرقی تبدیل شد. هم‌چنین با برگزاری المپیک پکن در سال ۲۰۰۸ رشد اقتصادی چین ۲ درصد رشد پیدا کرد.

نباید فراموش کرد که این رشدهای اقتصادی با استثمار فزاینده‌ی نیروی کار محقق گردید. در واقع رشد نرخ سرمایه‌گذاری خارجی باعث تحکیم و رشد طبقه‌ی سرمایه‌دار کشور میزبان می‌شود و تأثیر مثبتی در زندگی طبقه‌ی کارگر نمی‌گذارد. این مسئله را به طور واضحی پس از المپیک‌های ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۱۶ برزیل می‌توان مشاهده کرد. به طور مشخص در ۲۰۱۶ ریو، اعتراضات خیابانی بسیاری را علیه بودجه‌های مربوط به برگزاری المپیک و جام‌جهانی فوتبال در ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ شاهد بودیم که در آن‌ها معترضان علیه کاهش بودجه‌های بهداشتی و آموزشی به خیابان‌ها آمده بودند. تنها در برخی موارد و آن هم به صورت موقت و کاذب، میزبانی می‌تواند باعث افزایش میزان اشتغال طبقه‌ی کارگر شود.

با توجه به مباحث فوق، می‌توان به چرایی رقابت سنگین برای کسب میزبانی مسابقاتی پی برد که در سال‌های اخیر به رشوه‌دهی به مسئولین کمیته‌ی بین‌المللی المپیک منجر شد. هم‌چنین این مسئله را که دولت سرمایه‌داری کشور میزبان به هدف تثبیت و توسعه‌ی سودآوری سرمایه‌داران اقدام به کسب میزبانی می‌کنند و نه برای ایجاد شرایطی که به بهبود زندگی انسان‌ها منجر شود، روشن‌تر می‌توان فهمید.

پارالمپیک

بازی‌های پارالمپیک هر چهار سال یکبار به فاصله‌ی چند هفته در شهر میزبان بازی‌های المپیک برگزار می‌شود. زمینه‌ی پیدایش این مسابقات تعداد بالای معلولین به جامانده از جنگ جهانی دوم بود. این معلولین قربانیان سیاست‌های طبقاتی سرمایه‌داران برای گسترش حوزه‌ی نفوذ خود برای کسب سود بیشتر بودند. معلولین تا پیش از این به عنوان کارگر بایستی نیروی کار خود را به سرمایه‌داران می‌فروختند. در حین جنگ‌ها این کارگران بایستی تمام وجود خود یا بخشی از اعضای بدن خود را در جهت سود بیشتر سرمایه‌داران قربانی می‌کردند. همانطور که در بخش بازی‌های المپیک گفته شد، نظام سرمایه‌داری همیشه به دنبال وسیله‌ای برای پوشاندن تضادهای درونی خود است و این کار را در قالب کادوها و شعارهای لوکس انجام می‌دهد. برگزاری مسابقات پارالمپیک پس از جنگ جهانی دوم را نیز در جهت پوشاندن جنایات کشورهای امپریالیستی باید تفسیر کرد. شعارهای نوع‌دوستی و حقوق بشر که کشورهای امپریالیستی داعیه دار آن بودند، در اثر جنایات انجام شده در جنگ خدشه‌دار شده بودند. برگزاری چنین مسابقاتی جزئی از احیاء چنین ظاهر لوکسی برای پنهان کردن آثار وحشتناک جنگ بود که خود را در شکل اهمیت دادن به معلولانی که خود نظام سرمایه‌داری باعث معلولیتشان بوده است، بروز می‌داد. مسئولین دولتی کشورها از این منظر، چنین رویدادی را به فال نیک گرفتند اما سرمایه‌داران به صورت منفرد به هیچ پدیده‌ای از این منظر نگاه نمی‌کنند. آن‌ها هر رویدادی را

صرفاً از جهت سودآوری، مطلوب یا نا مطلوب می‌انگارند. بنابراین باید مسابقات پارالمپیک را از این جهت نیز بررسی کنیم.

معلولین در ابتدا از ورزش به عنوان وسیله‌ی توانبخشی برای بهبود عملکرد در زندگی روزمره استفاده کردند. بدون شک ورزش تفریحی و توانبخشی باعث بهبود در زندگی معلولین و حتی افزایش امید به زندگی در آن‌ها می‌شود. همان طور که گفتیم هیچ رویدادی در عصر حاضر از قرار گرفتن در چارچوب سودآوری سرمایه‌داران در امان نیست. بنابراین ورزش توانبخشی و تفریحی معلولان نیز به ورزشی رقابتی تبدیل شد. مسابقات پارالمپیک نیز مانند مسابقات المپیک به دلیل ماهیت رقابتی خود و بیگانه با اهداف انسانی ورزش تبدیل به ابزاری برای سودآوری سرمایه‌داران شده است. این اوج وقاحت و پستی سرمایه‌داران است که انسان‌های معلول را درگیر رقابت با همدیگر برای بدست آوردن سود می‌کنند. در نظر بگیرید که یک فرد معلول که به دلیل نقص عضو ناراحت و غمگین است را در رقابتی قرار دهیم که در صورت شکست بایستی ناراحتی باخت خود را علاوه بر نقص عضو تحمل کند. از طرفی دیگر در رنکینگ شمارش مدال‌ها حاضر نیستند که مدال‌های ورزشکاران پارالمپیک را در جدولی یکسان با ورزشکاران المپیک محاسبه کنند گویی نمایندگان سرمایه از این ناراحت هستند که چرا آن‌ها تمام وجودشان را در راه سودآوری سرمایه قربانی نکرده‌اند و یا ناراحتند که نقص عضویشان مانع از به کارگیری تمام توانشان در جهت سودآوری سرمایه شده است!

نتیجه‌گیری

مسابقات المپیک برخلاف شعارهای اولیه نتوانستند باعث نزدیکی ملت‌ها و انسان‌ها به همدیگر شوند و خود این مسابقات به جزئی از ساختار طبقاتی عصر سرمایه‌داری تبدیل شدند. ورزش حرفه‌ای و در اوج آن مسابقات المپیک در تقابل با اهداف انسانی ورزش قرار دارند.^۱ مسابقاتی هم‌چون المپیک علاوه بر کارکردشان به عنوان پیش‌برنده‌ی گسترش سرمایه، به عنوان پوششی لوکس برای پنهان کردن جنایت‌های نظام سرمایه‌داری نیز عمل می‌کنند. به عبارت دیگر از طرفی منجر به گسترش استثمار کارگران می‌شوند و از طرف دیگر جلوی رشد آگاهی طبقاتی در طبقه‌ی کارگر را می‌گیرند. با انحلال شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری که مبتنی بر افزایش سود سرمایه‌داران است و گذار به شیوه‌ی تولید سوسیالیستی، در کنار لغو تمام تبعیض‌هایی که حاصل نظام سرمایه‌داری و تثبیت‌کننده‌ی آن می‌باشند، ورزش همگانی برای تندرستی و شادابی انسان‌ها جایگزین ورزش حرفه‌ای خواهد شد.

¹ Baron Pierre de Coubertin

^۲ این گروه نام خود را از وقایع سپتامبر سیاه اردن در خلال سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۱ گرفته است. در خلال این وقایع، ۳۵۰۰ فلسطینی که عمده‌ی آن‌ها غیر نظامی بودند، کشته شدند و از این جهت این واقعه به سپتامبر سیاه معروف شده است.

³ Juan Antonio Samaranch

^۴ اربابان پشت پرده‌ی المپیک، آندرو جنینگز و ویو سیمسون، ترجمه پرویز ختایی، نشر قطره، ۱۳۸۱

^۵ همان.

^۶ همان.

^۷ شیوع بیماری کرونا در سطح جهان تاریخ این مسابقات را تغییر داده است و تاریخ دقیق برگزاری آن‌ها هم‌چنان مبهم است.

^۸ به مقالات زیر که در سایت کارخانه منتشر شده است، رجوع کنید:

- فوتبال و نظام سرمایه‌داری <https://karkhane.org/1833>

- جنگ گلادياتورها در پوشش ورزش حرفه‌ای <https://karkhane.org/1931>